

---

## عوامل تقویت کننده حیا در سبک زندگی اسلامی

---

پرستو مجیدی پور<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
پروانه اسدی<sup>۲</sup>

### چکیده

حیا از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی جامعه است که در همه ادیان آسمانی، مورد تأکید قرار گرفته است. هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل تقویت کننده حیا در سبک زندگی اسلامی است. خداوند حکیم علاوه بر به ودیعه قرار دادن حیای فطری در انسان به عنوان یک ارزش دینی که قرین عقل و ایمان است، با ارائه توصیه‌ها و ایجاد محدودیت‌ها بین دو جنس، به افزایش حیا در آنان کمک کرده تا از طریق توجه به آن و تأمین سلامت جسم و روح و روان، به هدف نهایی از خلقت دست پیدا کند. در گام دو بیانیه انقلاب نیز به افزایش عیار معنویت و اخلاق در انقلاب اشاره شده است. مطالعه حاضر به بررسی حیا و عوامل تقویت کننده آن در سبک زندگی اسلامی پرداخته است. این مطالعه به روش توصیفی و تحلیلی بوده و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و جست‌وجوی اینترنتی

---

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه کرمانشاه majidi.majidipour@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه کرمانشاه poone\_violet@yahoo.com

جمع‌آوری گردید. تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی از دو بخش مراقبت‌های لازم در خانواده و اجتماع تشکیل شده است.

کلمات کلیدی: حیا، عوامل تقویت حیا، بیانیه گام دوم، سبک زندگی اسلامی.

## مقدمه

حیا در لغت به معنی خودداری نفس است از زشتی‌ها (راغب اصفهانی؛ مفردات، ترجمه خسروی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۷۳) و به معنی شرمساری و خجالت می‌باشد و از جمله موضوعات اخلاقی است که در قرآن از آن یاد شده است، (خرمشاهی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۶۹) به تعبیر دیگر تأثر نفس است از امری که قباحت آن امر بر انسان ظاهر می‌شود و باعث انزجار او، از آن عمل می‌گردد (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۰۱). در اصطلاح علم اخلاق، یکی از انواع دوازده‌گانه جنس عفت به شمار می‌آید (حاج سید جوادی و همکاران، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۵۸۳). حیا مانع از آن می‌شود که انسان هر چیزی را که از قلبش می‌گذرد بر زبان بیاورد، حیا برای هر انسانی نیکو است اما در بانوان نیکوتر و زیبنده‌تر می‌باشد، لذا در روایات، حیا به ده قسمت تقسیم شده است که نُه قسمت آن، از آن زنان و یک قسمت از آن مردان شمرده شده است. کسانی که پرده حیا را دریده و در ملأ عام مرتکب گناه می‌شوند از نظر اسلام آبرو و احترام و شخصیتی ندارند و لذا غیبت چنین افرادی جایز شمرده شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْحَيَاءُ نُورٌ جَوْهَرُهُ صَدْرُ الْإِيمَانِ وَ تَفْسِيرُهُ التَّثَبُّتُ غَيْرَ كُلِّ شَيْءٍ يُنَكِّرُهُ التَّوْحِيدُ وَالْمَعْرِفَةُ». «شرم نوری است که گوهر آن سینه ایمان است، معنای شرم این است که در برابر هر آنچه با توحید و معرفت ناسازگار است خویشتن‌داری کنی.» (محمدی ری شهری؛ ترجمه شیخی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۶۰-۱۳۵۲).

علمای اخلاق حیا را دو گونه دانسته‌اند:

۱. **حیاء نفسانی:** حیاء نفسانی حیایی است که در سرشت و نهاد انسان نهاده شده است مثل شرمساری از عریان شدن و خجالت از آمیزش میان مردم.
۲. **حیاء ایمانی:** خصلتی است که مؤمن را به سبب ترس از خدا از انجام کردارهای گناه آلود باز دارد، بنابراین پرهیز از محرمات معلول حیاء ایمانی است (حائری قزوینی، ۱۳۹۰، ص ۵۸۳).

در آیات مختلفی از قرآن به موضوع حیا پرداخته شده است.

زمانی که موسی علیه السلام از چنگال ظلم فرعون رها یافته و از راه دور خسته و گرسنه به کنار چاه مدین رسیده بود دختران شعیب را دید که برای سیراب کردن گوسفندان به آن جا آمده‌اند، حضرت موسی علیه السلام با دل‌وآب گوسفندان آن‌ها را سیراب کرد، (شریعت‌مداری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۴۴) به دنبال آن قرآن می‌فرماید: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ...﴾ (قصص: ۲۵).

«ناگهان یکی از آن دو زن، به سراغ او آمد درحالی که با نهایت حیا گام بر می‌داشت گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند...» پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد وقتی به سراغ موسی آمد تنها این جمله را گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا پاداش و مزد آبی را که برای گوسفندان ما، از چاه بیرون کشیدی به تو دهد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۵۸).

مراد از این که راه رفتن او بر استحیا بوده، این است که عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود (طباطبائی ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۶۳، ج ۳۱، ص ۴۱) (در این داستان حیا را می‌توان به حیای گفتار و حیای رفتار تقسیم کرد و دختران شعیب یکی از بهترین الگوهای قرآنی برای زنان مسلمان در برخورد با نامحرمان می‌باشند) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا...﴾ (بقره: ۲۶).

«خداوند از این که به (موجودات ظاهراً کوچکی مانند) پشه و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی‌کند...» مثال باید موافق مقصود باشد و مثال وسیله‌ای است برای تجسم حقیقت، گاه در مقام تحقیر و بیان ضعف مدعیان است، بلاغت سخن ایجاب می‌کند که برای نشان دادن ضعف آن‌ها موجود ضعیفی را برای مثال زدن انتخاب کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۶).

﴿إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ...﴾ (احزاب: ۵۳) «... این عمل، پیامبر را ناراحت می‌نماید: ولی از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید) اما خداوند از (بیان) حق، شرم ندارد...»

هنگامی که پیامبر ﷺ با "زینب بنت جحش" ازدواج کرد ولیمه نسبتاً مفصلی داد، مردم دسته دسته می آمدند و غذا می خوردند و از اطاق خارج می شدند، بعد از پایان مهمانی سه نفر همچنان در اطاق پیامبر ﷺ ماندند و مشغول گفت و گو شدند و سخنان آن ها به طول انجامید، آیه فوق نازل شد و دستورات لازم را در برخورد با این مسائل به آن ها تفهیم کرد، برای نزول این آیه روایات دیگری نیز وجود دارد (طبرسی، ترجمه کرمی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۵۴۷ - ۵۴۳) (که ناظر به قسمتهای دیگر این آیه است) البته پیامبر خدا ﷺ نیز از بیان حق در مواردی که جنبه شخصی و خصوصی نداشت هیچ ابا نمی کرد اما در این مورد شخصی اصول اخلاقی ایجاب می کرد که پیامبر ﷺ به دفاع از خود نپردازد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، پیشین، ج ۱۷، ص ۴۰۰)

مقام معظم رهبری نیز در بیانات خود به موضوع حیا اشاره فرموده اند. پاره ای از بیانات ایشان در موضوع حیا در ذیل آمده است.

دشمن - نه دشمن ایران یا دشمن انقلاب؛ دشمن بشریت - تصمیم گرفته که نظام خانواده را در بین بشر از بین ببرد. خانواده سنت الهی است. دشمن بشریت یعنی جریان سرمایه داری بین المللی و صهیونیسم تقریباً از حدود صد سال پیش تصمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر از بین ببرند؛ و یک جاهایی موفق شدند. در آن جاهایی که از خدا دور بودند موفق شدند، در یک جاهایی هم از جمله در ایران اسلامی ما موفق نشدند اما دارند تلاش می کنند. این ازدواجهای سخت، این ازدواجهای دیر، این فرزندآوری کم، این به تعبیر غلط زشتشان «ازدواجهای سفید» - که سیاه ترین نوع زندگی مزدوج است - همه اینها به خاطر این است که خانواده از بین برود. رواج شهوات، از بین رفتن حیا و عفت، امروز جزو برنامه های دشمن است. شما [مداحان] مبارزه با اینها را جزو برنامه های خودتان قرار بدهید. طهارت و پاکیزگی دامن جوانهای این کشور را مورد همت خودتان قرار بدهید، بر آن همت بگمارید، و این یکی از بهترین کارها و یکی از مؤثرترین شیوه ها برای حفظ انقلاب و برای رشد انقلاب و برای حفظ نظام اسلامی است. رواج شهوات، از بین رفتن حیا و عفت، امروز

جزو برنامه‌های دشمن است. شما مداحان مبارزه با اینها را جزو برنامه‌های خودتان قرار بدهید. که یکی از بهترین کارها و مؤثرترین شیوه‌ها برای حفظ انقلاب و برای رشد انقلاب و برای حفظ نظام اسلامی است

مقام معظم رهبری (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام)، (۱۳۹۷).

حیا و اخلاق جوانان مایه اقتدار است، [لذا] با آن دشمنند. این همه در فضای مجازی و در رسانه‌ها فعالیت می‌کنند، میلیاردها خرج می‌کنند برای این که بتوانند از جوان ایرانی اخلاق را، ایمان را، پایبندی به شریعت را، حیا را سلب کنند و بگیرند؛ چرا؟ چون اینها مایه اقتدار کشور است. با جوان مؤمن متشجع باحیای باایمان که در مقابل این وسایل شهوت‌انگیز نمی‌لغزد و می‌تواند خودش را نگه دارد، و برای کشور مایه اقتدار است؛ دشمنند. در فضای مجازی و در رسانه‌ها فعالیت می‌کنند، میلیاردها خرج می‌کنند برای این که بتوانند از جوان ایرانی اخلاق را، ایمان را، پایبندی به شریعت را، حیا را سلب کنند و بگیرند؛ چرا؟ چون اینها مایه اقتدار کشور است (مقام معظم رهبری (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام)، (۱۳۹۶)

با توجه به مطالب فوق و ارزشمندی موضوع حیا در اسلام و سبک زندگی اسلامی و از آنجاکه به فرموده مقام معظم رهبری حیا باعث اقتدار است. مطالعه حاضر به بررسی عوامل تقویت‌کننده حیا در سبک زندگی اسلامی پرداخته است. مطالعه حاضر از نوع مروری است و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و جست‌وجوهای اینترنتی انجام شده است. در این مقاله به موضوعات حیا، مذموم، جلوه‌های حیا، عوامل تقویت‌کننده حیا در اسلام و فواید عفت و پاکدامنی، بخشهایی از متن بیانیه گام دوم انقلاب و در نهایت نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

#### پیشینه

راغب اصفهانی گرفتگی روح و نفس و ترک زشتی را به خاطر خود عمل می‌داند نه برای ترس از مردم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۰). تفاوت حیا و خجالت در این است که

معمولاً شخص خجالت زده از عملی که قبلاً انجام داده است ناراحت شده و تغییراتی در چهره‌اش پدیدار می‌شود، ولی شخص باحیا به وسیله همین ویژگی از عمل انجام شده خودداری می‌کند (العسکری، ق ۱۴۰۰، ص ۲۳۹) و تغییر هیئت و حالت او نسبت به عمل زشت می‌شود، ولی خجالت‌حالی است که بعد از انجام عمل به وجود می‌آید (طیبی، ۱۳۸۶، ص ۲۶). قرآن کریم با بیان داستان آدم و حواء در دو سوره (اعراف ۲۲، طه ۱۲۱) به صورت غیر مستقیم فطری بودن حیا را گوشزد می‌نماید. همین که آدم و همسرش از آن درخت ممنوع چشیدند، بلافاصله لباسهایشان از تنشان فرو ریخت و اندامشان آشکار گشت. هنگامی که آدم و حوا چنین دیدند بلافاصله از برگ‌های درختان بهشتی برای پوشیدن اندام خود، استفاده کردند. روایان نیز حیا را از خصایص ویژه انسان برشمرده (مفضل ابن عمر، ۱۳۷۹، ص ۷۹). و حیا و ایمان را قرین هم می‌دانند. به گونه‌ای که با رفتن یکی از آن دو دیگری نیز رخت بر می‌بندد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۶). پیوند این دو به اندازه‌ای نزدیک است که اما صادق فرد بی حیا را بی ایمان معرفی می‌کند و می‌فرماید کسی که حیا ندارد ایمان ندارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۲۳). امام علی علیه السلام فرمودند جبرئیل بر آدم فرود شد و گفت ای آدم من مأمورم تو را میان سه چیز مخیر سازم تا یکی را بگزینی و دو تا را وانهی. آدم گفت ای جبرئیل آن سه چیز کدامند؟ گفت عقل و حیا و دین (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰). مقام معظم رهبری در خصوص حیا بیاناتی داشتند: چقدر فاجعه بار است سیاستی که امروز در دنیا به وسیله عوامل قدرتهای ضد بشری برای زدودن حیا رایج است؛ واقعاً الان با یک سیاستی، با یک تدبیری، در همه دنیا دارد کار انجام می‌گیرد برای این که حیا را از بین مردم بردارند. وقتی هم که میخواهند حیا را بردارند، این شعبی دارد و از راه‌های مختلف و ده‌ها راه وارد می‌شوند: مسئله اختلاط زن و مرد یک مسئله است، مسئله پوشش زن و مرد یک مسئله است، چیزهایی که تحت عنوان حقوق زن بیان می‌شود، یکی از این پنجره‌های شیطانی است، [همچنین] چیزهایی که در مورد پوشش زن بیان می‌شود که «آقا چرا مجبور می‌کنید زنها را به حجاب؟» حرفهایی که حتی بعضی از افراد ظاهرالصلاح هم

می‌گویند. مسئله حیا خیلی مسئله مهمی است. دنیا این جور نبوده که امروز هست. حتی انسان آثار هنری و ادبی اروپایی‌ها را که نگاه می‌کند، تا ۱۵۰ سال پیش، ۲۰۰ سال پیش مطلقاً این خبرها در اروپا نبوده؛ این فساد و این تهتک و این تهتر را عمدتاً از وقتی که صهیونیست‌ها و سرمایه‌دارها بر امور اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی مسلط شدند، بتدریج رایج کردند؛ انگیزه‌هایی هم دارند، اهدافی دارند که آن داستان خیلی طولانی و مفصلی است. اسلام نقطه مقابل این است. حیا برای مرد فضیلت است، برای زن هم فضیلت است و این حیا مظاهری دارد؛ یکی از مظاهرش پوشش ظاهری است؛ یکی از مظاهرش معاشرتها و مکالمات سخنورانه است که انسان در حرف زدن، در اظهار نظر کردن، در تبادل کلمات، حیا را ملاحظه کند. بی‌حیائی یکی از آن چیزهایی است که در حرف زدن و در نسبت دادن و در گفت‌وگو کردن و مانند اینها خودش را نشان می‌دهد. در عمل هم همین جور است؛ بعضی‌ها هستند که کارهای زشت بزرگی را انجام می‌دهند، و نگاه می‌کنند در چشم آدم و هیچ احساس شرم هم از این کار نمی‌کنند! بعضی از جنایات مالی است، بعضی از جنایات انسانی است؛ انواع و اقسام. بنابراین رأس صفات و مکارم اخلاق را فرمودند حیا [است]: *وَأَسْهَنَ الْحَيَاءِ*

حیا برای مرد فضیلت است، برای زن هم فضیلت است و این حیا مظاهری دارد؛ یکی از مظاهرش پوشش ظاهری است؛ یکی از مظاهرش معاشرتها و مکالمات سخنورانه است که انسان در حرف زدن، در اظهار نظر کردن، در تبادل کلمات، حیا را ملاحظه کند. بی‌حیائی یکی از آن چیزهایی است که در حرف زدن و در نسبت دادن و در گفت‌وگو کردن و مانند اینها خودش را نشان می‌دهد. در عمل هم همین جور است؛ بعضی‌ها هستند که کارهای زشت بزرگی را انجام می‌دهند، و نگاه می‌کنند در چشم آدم و هیچ احساس شرم هم از این کار نمی‌کنند! بعضی از جنایات مالی است، بعضی از جنایات انسانی است؛ انواع و اقسام (مقام معظم رهبری (بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره مسئله)، ۱۳۹۷)



## حیاء مذموم

گاهی انسان بسیار خجالت می‌کشد در حدی که حتی حاضر نمی‌شود مسائل شرعی خود را بپرسد، مشکلات علمی‌اش را مطرح سازد یا عبادتی را ترک می‌کند یا از گفتن حقی شرم می‌کند، قطعاً این‌گونه حیا مورد تأیید شرع و اخلاق نیست (سلطانی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۲)

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ رَقَّ وَجْهُهُ رَقَّ عِلْمُهُ» «هر کس کم رو باشد، کم دانش شود» (ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵۶)

## جلوه‌های حیا

### حیا در دیدار

با نوع نگاه افراد علاوه بر میزان حیای آنان، می‌توان میزان خرد و معرفتشان را نیز سنجید؛ چرا که حیای چشم، ناشی از عقل و معرفت و به قول معروف حیا در چشم است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۲۰، ص ۸۴۳). پیامبر در بیان صفات عقل می‌فرماید: خداوند عقل را از نوری اندوخته شده آفریده و دانش را نفس آن، فهم را روح آن... حیا را چشم آن و حکمت را زبان آن قرار داده است (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۱، ص ۱۰۷) و نهایتاً می‌فرمایند: خداوند حیا را در چشمان قرار داده است (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۳، ص ۷۳، ص ۱۶۶).

### حیا در گفتار

اصولاً زبان دارای کاربردهای گوناگونی است. یکی از این کاربردها که اغلب به آن توجه نمی‌شود، تنظیم و تعدیل حیا در ارتباطات است. به تعبیر قرآن کریم از نوع گویش آنان، آنان را خواهی شناخت (محمد: ۴۷). همان‌گونه که حضرت علی علیه السلام یادآور می‌شوند: سخن بگویند تا شناخته شوید؛ زیرا انسان زیر زبان خویش نهفته است (آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۷، حکمت ۳۹۲).

حیا در گفتار با چند عامل نمایان می‌شود:

حیا در استفاده از زبان، بیان مطالب مناسب، حیا نسبت به مخاطب، تذکر دادن، درخواست کردن، بیان مسائل جنسی، بیان طنز و فکاهی، جذاب کردن رمان‌ها، غنا و آواز خوانی.

### حیا در شنیدار

حیا در شنیدن، از ظرافت و لطافت بیشتری نسبت به حیا در گفتار برخوردار است. انسان باید به گونه‌ای رفتار نماید که دیگران در حضور او جانب حیا و وقار را پیش بگیرند و هر سخنی را بر زبان جاری نسازند. باید بدانیم که انسان هرگاه با کسی صمیمی می‌شود، این حق را ندارد که از هر دری با او به صحبت پردازد و پرده حیا را یکی پس از دیگری بدرد؛ چرا که دوستی‌های بسیاری در اثر این تندروی‌ها و افراط‌ها به ورطه جدایی و نابودی کشیده شده است. رعایت حدود حیا در گفتار و شنیدار می‌تواند حل بسیاری از معضلات و چالش‌های اجتماعی را که امروزه دنیای غرب و شرق را آکنده ساخته است حل کند. در یک جامعه با حیا سخنان ناروایی که در صدد هتک حرمت دیگری است، خریدار ندارد، چون کسی که به این سخنان گوش فرا می‌دهد، شریک گوینده است. چنان چه امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید می‌کنند: شنونده غیبت شریک گوینده است (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۴۴۵، ص ۲۲۱) و یک شخص با حیا خود را شریک بی‌شرم نمی‌کند، بلکه دفاع از آن شخص را وظیفه خود می‌داند (پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۲۲۶-۲۲۲).

### حیا در پندار

امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر فرمودند: در مقابل خداوند حق حیا را به جا آورید. گفتند ای پیامبر خدا چه کنیم؟ فرمود اگر کسی بخواهد حق حیا را به جا آورد نباید به بستر خواب رود مگر این که مرگ را بین دو چشمش ببیند و باید سر و اندیشه‌های درون آن و شکم و آنچه در آن می‌ریزد را مواظبت نماید و به یاد قبر و پوسیدن بدن در آن باشد و کسی که به

دنبال آخرت است، باید زینت‌های زندگی دنیا را رها کند (حمیری قمی، ۴۱۳، ص ۱۳ و ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۹۳).

### حیا در کردار

مهم‌ترین جلوه حیا در کردار ترک گناه است؛ حتی گناهان کوچک. در صورتی که انسان متوجه نعمت‌های خدا باشد یا خود را در محضر خدا ببیند یا اندک محبتی از خدا در دلش داشته باشد، حیا می‌کند گناهی را انجام دهد. حضرت یونس علیه السلام بعد از خارج شدن از شکم نهنگ، به خاطر ترک اولایی که انجام داده بود، از روبه‌رو شدن با مردم حیا می‌کرد (قمی، ج ۱۴، ص ۳۸۳). امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: حیا کن و هیچ گناهی را کوچک مشمار؛ چرا که روزی به تو ضرر خواهد رساند (قمی، ج ۶۸، ص ۱۸۴).

### حیا در خوابیدن

انسان با حیا تمام حالت و اعمالش تحت الشعاع حیای اوست؛ به گونه‌ای که در خوابیدن نیز حیا را رعایت می‌کند و پوششی را بر روی خود می‌افکند. توصیه حضرت مسیح علیه السلام است که، هر یک از شما که در منزل خویش می‌آرامد، پوششی را بر روی خود بیافکند؛ چرا که خداوند تعالی بسان تقسیم می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۳۵).

### حیا در پوشش

یکی از جلوه‌های بارز حیا، نوع پوشش و اصل پوشش انسان می‌باشد. در بین حیوانات پوشش موضوعیت ندارد. این انسان است که به خاطر حیا خود را می‌پوشاند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند: آیا در تنهایی می‌توانیم کشف عورت کنیم؟ حضرت جواب دادند: خداوند بیش از مردم سزاوار است که از او شرم شود (ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۱۸). و در جاهای مختلف می‌فرمودند: خداوند شما را از عریان شدن بازداشته است (قمی، ج ۵۶، ص ۲۰۰). لذا از عریان شدن بپرهیزید (الترمذی، ج ۵، ص ۱۰۴).

## عوامل تقویت کننده حیا در اسلام

دیدن صحنه‌های بد و نشست و برخاست با افرادی که زبانشان رها است و حیای شان کم است، سبب کم حیائی می‌گردد و اگر پرده حیا دریده شد جبران آن دشوار است، بنابر این مراقبت از زبان و انتخاب دوستان عاقل و با حیا و پرهیز از دیدن و شنیدن مطالبی که در آن‌ها پرده دری و بی حیائی موج می‌زند و اعتقاد به حضور خداوند و اشراف او بر بندگان و مضرات بی حیایی برای سلامتی روح و روان انسان، سبب می‌شود که انسان به حالت عادی بر گردد و حدود الهی را رعایت کند. باید دانست انسان فطرتاً از هر چیزی که به ضرر او باشد، اجتناب می‌کند. به طور قطع و یقین اگر انسان گنه کار باور کند، همانطور که زهر و سم برای جسم مضر است؛ گناه نیز، روح انسان را فاسد و خراب کرده، برایش مضر است، از گناهان اجتناب می‌کند. حیا و نقطه مقابل آن یعنی بی حیایی نیز چنین است. ما میدانیم حیا خوب است و بی حیایی زشت و قبیح، اما ممکن است این مطلب را باور نداشته باشیم؛ چرا که به مضرات آن یقین نداریم. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: الحياء مفتاح کل الخیر (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۵۲) شرم کلید همه خوبی‌هاست. اگر باور کنیم که با وجود حیا، درهای همه خیرات به سوی ما باز می‌شود، مسلماً داشتن حیا در همه ابعاد زندگی را، سرلوحه افعال و کردار خویش قرار می‌دهیم.

شرم از خالق و ولی نعمت، موجب می‌شود، از آنچه که او نهی کرده است پرهیزیم. مگر نه این است که وقتی کسی به ما نیکی می‌کند، ما نیز به او نیکی میکنیم؟ در حقیقت حیا میکنیم، جواب نیکی دوست را به بدی بدهیم. چگونه می‌شود انسان غرق در نعمات خداوند و خالق خویش باشد، اما به معصیتی که جز به ضرر خود او نیست پردازد؟ نه فطرت ما چنین چیزی را میپسندد؛ نه عقل و خرد، مجوز چنین کاری را می‌دهد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: اعقل الناس احیاهم (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۵۲) خردمندترین مردم، با شرمترین آنهاست.

به عنوان مثال: به دلایل متعدد، عقل حکم می‌کند که یک خانم، به یک مرد ابراز علاقه و

دوستی نکند: ۱ - بر خلاف فطرت خود عمل کرده است؛ در نتیجه اگر جواب منفی بشنود، احساس افسردگی، سر خوردگی، شکست و خجالت زدگی می‌کند، درحالی که مرد چنین نیست. ۲. این ابراز علاقه، زمینه سوء استفاده مرد را فراهم می‌کند ۳ - در صورت ازدواج، معمولاً حربه‌ای است به دست مرد، برای سرزنش زن و..... و مهم‌ترین مطلب این که این گونه ارتباط‌ها، موجبات معاصی فراوانی را فراهم می‌کند، که پرده‌های حیای بین خالق و مخلوق را از بین می‌برد.

### جهت تقویت و کسب حیا، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. باور کردن این مطلب که: کسی که حیا دارد برای خود، ارزش قائل است. ما اگر برای خود، شخصیتی والا، قائل باشیم، به هر کاری تن نمی‌دهیم. انسانهای حقیر و پست، تن به هر فعل زشتی داده، کم کم از کارهای زشت خویش نیز نه‌تنها ناراحت نمی‌شوند بلکه لذت می‌برند. شخصیت هر انسانی توسط خود او شکل می‌گیرد؛ انسانهایی که از روح بزرگ برخوردارند، وجود خود را با کارهای زشت آلوده نمی‌کنند.
۲. کسب معرفت درباره عواقب گناهان، در دنیا و آخرت. به‌عنوان مثال، مطالعه احادیث وارده از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و کتب اخلاقی، درباره بد حجابی. کسب معرفت و آگاهی، مقدمه و زمینه ساز پرهیز از معاصی است.
۳. انتخاب دوستان با حیا ارتباط و دوستی با کسانی که اهل شرم و حیا نیستند، کم کم انسان با حیا را، به بی‌حیایی میکشانند؛ چرا که انسان هم رنگ دوست خود می‌شود. ارتباط نزدیک با افراد لا ابالی، قبح بسیاری از زشتیها را از بین می‌برد.
۴. تقویت ایمان داشتن ایمان (یعنی عمل به واجبات و ترک محرمات) حیا و شرم را در وجود انسان مستقر می‌کند. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: حیا و ایمان به هم پیوسته‌اند؛ هر گاه یکی از آنها

برود دیگری هم در پی آن روانه شود (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۵۴).

۵. تفکر درباره آثار دنیوی و اخروی حیا

از آثار دنیوی و اخروی حیا عبارتند از: بر طرف شدن عیوب، تسلط بر نفس، عامل بهره‌مندی و کامیابی، زینت بخش و آبرو ساز و... امیدواری، ایمنی روز قیامت، ترغیب به کمال و قبولی عمل، پاکی از گناهان، حیا بهتر از هفتاد سال عبادت و... (بانکی پور فرد، حیا، ص ۲۷ به بعد)

۶. مهم‌ترین مطلب این که: بدانیم خدا ما را می‌بیند.

تقویت این مسئله در ذهن و روح انسان، موجب حیا و شرم از خالق همه موجودات می‌شود. خالقی که با وجود قدرت، صبور است و حلیم؛ او که حاضر است و ناظر. بدانیم که خدای بزرگ، در هر حال، نظاره‌گر اعمال ما بندگان ضعیف و گنه کار است.

۷. و نکته آخر این که: با دعا و نیایش به درگاه خدای مهربان، از او تقاضا کنیم، بر تن ما

لباس حیا و اجتناب از معاصی را بپوشانند.

امام زمان علیه السلام در حق زنان چنین دعا می‌کنند: و علی النساء بالحیاء و العفة (مفاتیح الجنان، دعای امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف)) خدایا به زنان ما حیا و عفت عنایت فرما.

پروردگارا ما را از زمره کسانی قرار ده که پرده‌های عصمت اولیا ی خویش را بر آنان گسترانیده‌ای، و دل‌هایشان را به پاکی و زلالی اختصاص داده‌ای و قلب‌هایشان را به فهم و شرمساری در سرای بندگان برگزیده ات آراسته‌ای (بانکی پور فرد؛ حیا، ص ۲۰۸ (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۹۱، ص ۱۲۸)).

اگرچه شما جوان عزیز حفظ حیا و عفت را برای خود از واجبات می‌دانید اما جهت

افزایش اطلاعات خود در این زمینه به فواید عفت و پاکدامنی می‌پردازیم:

### فواید عفت و پاکدامنی

۱. عفت باعث می‌شود انسان از ایمان و اخلاصش نسبت به خدا اطمینان پیدا کند.

هر شخصی با حفظ عفت و دوری از پلیدیها می‌تواند ایمان و اخلاص خود را محک زده و بفهمد تا چه اندازه در ایمان خود صادق است

الله عزوجل درباره یوسف علیه السلام می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ (یوسف: ۲۴) ما این چنین کردیم (و در حفظ وی در همه مراحل کوشیدیم) تا بلا و زنا را از او دور سازیم. چرا که او از بندگان مخلص ما است.

۲. عفت، زمینه مناسبی را برای ازدواج موفق انسان فراهم می‌کند.

کسی که عفت را در زندگی پیشه کرده با ازدواج وارد دنیای جدیدی می‌شود که می‌تواند آنرا به زیبایی بسازد و خداوند عزوجل در میان مردان و زنان عقیف محبت و رحمت و انسی را برقرار می‌کند که سبب سعادت آن‌ها می‌شود.

چرا که بی‌عفتی باعث تجربه‌های غلط در دوران مجرد خواهد شد که این تجربیات زود هنگام شخص را مجبور به ازدواجی تحمیلی خواهد نمود و یا باعث انتخاب غیر واقع بینانه او در همسرگزینی می‌شود.

۳. ایجاد امنیت و آرامش

اگر اجتماع موجبات هیجان مداوم شهوات را با بی‌عفتی و ابتذال فراهم کند، به تلاطم و نارضایی غریزه با هزاران عوارض روانی و جنایات ناشی از آن افزوده خواهد شد. از این رو لازمه دست یافتن به آرامش و امنیت، از بین رفتن شرایط تحریک آمیز و نهادینه کردن عفت و حیا در محیط است.

افزایش سرسام‌آور جرم و جنایت علیه زن در کشورهای بی‌بند و بار که امنیت زنان را به شدت به مخاطره انداخته، مؤید این مطلب است.

۴. ارزش آفرینی برای زن

مرد در عمق روح خود از تسلیم بودن زن نفرت دارد و همیشه عزت و بی‌نیازی و بی‌اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است. حجب و حیا که از ویژگی‌های فطری زن است، در واقع تدبیر آفرینش برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد است. ویل دورانت

می‌گوید: «زنان به طور تجربی دریافته‌اند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است. آن چه بجوییم و نیابیم، عزیز و گران بها می‌شود» بنابراین، پوشیدگی زن او را از خطر «ابتذال» مصون می‌دارد و برحرمت و ارزش او می‌افزاید. احترام حقیقی به یک زن از جانب مرد، تنها زمانی امکان‌پذیر است که آن مرد به دیده آلود در او ننگرد. زن پاک دامن از این که به دیده شهوت و هوس نگریسته شود، سخت در عذاب است. پوشیدگی زن سبب می‌شود که جلوه‌های ظاهری زن به جای مقام انسانی او ملاک ارزش‌گذاری نشود.

#### ۵. قدر و منزلت الهی

عفاف باعث می‌شود قدر و منزلت و نزدیکی به درگاه الهی زیاد شود. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که عفت داشته باشد، گناهانش سبک می‌شود» (ری شهری، ج ۶، ص ۳۶۳)

#### ۶. استحکام بنیان خانواده

عفاف موجب تحکیم بنیان خانواده می‌شود و بی‌عفتی باعث تزلزل آن. چه بسا طلاق‌هایی که بی‌عفتی مرد یا زن را باعث می‌شود چرا که هیچ یک از زوجین بی‌عفتی و لایابالی بودن همسر خویش را نمی‌خواهد و بروز این نوع از رفتار باعث بدبینی‌ها و نهایتاً فرو ریختن بنیان خانواده است.

#### ۷. حفظ نفس

عفت و پاکی موجب کنترل و حفظ نفس از بدی‌ها می‌شود. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «پاک دامنی نفس را حفظ و از پستی‌ها دور می‌کند.»

انسانی که عفت را رعایت نمی‌کند و به هر چیز نگاه می‌کند و به صوتی گوش می‌دهد و هر کاری که می‌خواهد انجام می‌دهد انتظاری جز دنباله روی از دستورات نفسانی اش ندارد (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۶۳).

#### ۸. نجات از امراض خطرناک و کشنده

بسیاری از امراض خطرناک و کشنده از طریق رابطه‌های نامشروع و بی‌عفتی به انسان



منتقل می‌شود که در واقع عذابی است از طرف الله برای شهوت رانان. مانند مرض ایدز که یکی از عوامل مهم مبتلا شدن به آن بی‌عفتی است. البته باید توجه داشت که داشتن بیماری ایدز به تنهایی دلیل بر ناپاکی و بی‌عفتی نیست.

برای رهایی از افکار نادرست، سعی کنید همواره خود را مشغول کنید. به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایید که وقت خالی نداشته باشید. و هرگاه این افکار به سراغ شما آمد تغییر حالت داده و خود را به کار دیگری مشغول نمایید. و تا زمانی که خسته نشده‌اید و احساس خواب‌آلودگی نمی‌کنید، به رختخواب نروید (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۶۳).

## آثار حياء

حیاء منشأ آثار اعتقادی، اخلاقی، دنیوی و اخروی است.

## آثار اعتقادی

انسان با صفاتی همچون حیا و آزر محبوس و معشوق خداوند می‌گردد. همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرمایند خداوند انسان با حیای بردبار توانگر پاکدامن را دوست می‌دارد و با انسان ناسزاگو، بد دهان و فقیر سمج، دشمن است (قمی، ج ۷۶، ص ۱۱۱). توانگری که می‌تواند عامل طغیان بشود، اگر چنانچه با حیا توأم شد، محبوب خدا می‌گردد و بر عکس در حالت فقر و نداری، گدایی مردم را کرد و در گدایی پافشاری و سماجت نمود، حیای او می‌رود و باعث دشمنی خدا می‌گردد. امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس چهار چیز را پوشش خود سازد، اسلامش کامل گردد، بر ایمانش یاری شود، گناهانش پاک گردد و خدا را درحالی که از او راضی است ملاقات کند و اگر چه سر تا قدمش گناه باشد، خدا از او فرو ریزد. آن چهار چیز عبارتست از: وفا به قراردادهای الهی، راستگویی با مردم، حیا از زشتی پیش خدا و پیش مردم و حسن خلق با خانواده و مردم (قمی، ج ۶۶، ص ۳۸۰).

## آثار اخلاقی

### الف) حیا مبنای نظام اخلاقی

فلاسفه و انسان‌شناسان غالباً دو نظام اخلاقی را مشخص می‌کنند: اخلاق شرم (اخلاق یونان هومر) و اخلاق احساس گناه (اخلاق مسیحی). دکتر لنگهاوزن با معرفی این دو نظام، حیا را به عنوان نظام اخلاقی سوم برخاسته از تفکر اسلامی می‌داند. احساس شرم زمانی پدید می‌آید که ما به نگاه دیگران و یا تصور نگاه آن‌ها پس از آن که مرتکب خلاف شدیم توجه کنیم؛ در حالی که احساس گناه احساسی کاملاً وجدانی است و به هیچ وجه به نظر دیگران نسبت به ما ربطی ندارد. شرم و احساس گناه هر دو حالت‌هایی هستند که انسان می‌خواهد از آن‌ها رها شود. حیا نیز انگیزه‌ای برای رعایت احکام اخلاقی است. حیا عاملی برای ممانعت از اعمال سوء و حتی بیشتر از آن عاملی است برای جلوگیری از موقعیت‌هایی که در آن فرصتی برای ارتکاب به گناه به وجود می‌آید. در حالی که شرم و احساس گناه حالت‌هایی هستند که پس از ارتکاب به گناه به وجود می‌آیند. در اسلام نیز با توصیه‌ای که برای حیا شده است، احساس شرم یا وجدان نابود نمی‌شود، بلکه مهم‌تر از هر دوی آن‌ها نیازی است که انسان برای حفظ حرمتی که به واسطه آن ارتباط با خدا را حفظ می‌کند احساس می‌نماید. این محافظت از حرمت فطری، به اخلاق مبتنی بر حیا ویژگی متعالی می‌دهد. خلاصه آن که در فرهنگ اسلامی، حیا احساسی است همچون احساس نگهبان حرم، حرمی که در صورت غفلت آلوده می‌شود (حیا زیبایی بی‌پایان، ص ۲۱-۱۷). برخی از صفات اخلاقی ارثی هستند ولی برخی صفات اکتسابی و جنبه ارثی بودن آن‌ها کم رنگ است. این صفات که مکارم اخلاق محسوب می‌شوند، ده صفت هستند که چه بسا در پسر یافت می‌شود ولی در پدر وجود ندارد یا بالعکس. امام صادق یکی پس از دیگری این مکارم اخلاقی را بر می‌شمرد:

مردانگی، راست گفتاری، امانتداری، صله رحم، میهمان‌نوازی، اطعام کردن سائل، جبران نیکی‌های دیگران، پاس داشتن حریم همسایه در ادامه حضرت یادآور می‌شوند که در

رأس تمامی این صفات و ویژگی‌ها، حیا قرار دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۴۳۴). پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج و تمامیت برسانم (قمی، ج ۶۸، ص ۳۸۲) و حضرت علی علیه السلام تمامیت کرم را به حیا دانسته‌اند و آن را نیکوترین خصلتها معرفی کرده‌اند (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۶، ح ۵۴۳۷).

### ب) حیای از خود

در بین مخلوقات بیشترین و لطیف‌ترین حیا در پیامبر بود و پیامبر نه تنها تمامیت این مکارم اخلاق را در خود ظهور داد، بلکه انسان‌ها را متوجه جنبه‌ای از حیا به عنوان حیای از خود کرد. حیای از خود یکی از مصادیق تمامیت مکارم اخلاق است؛ چنانچه در روایت آمده است: تمامیت جوانمردی این است که از خود حیا کنی (آمدی، ۱۴۰۱۰، ح ۴۷۶۰). حیای از خود در اوج معارف دینی قرار دارد و این مسئله نشان از اتصال دینی ما با وحی الهی دارد. حیای از خود به این معناست که آن قدر انسان برای خود ارزش و کرامت داشته باشد که در خلوت خویش نیز خجالت بکشد کار زشتی انجام دهد؛ حتی اگر کس دیگری هم مشاهده نکند. در روایتی امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که در خلوت کاری کند که آشکارا از انجام آن حیا می‌کند، خودش نزد او ارزشی ندارد (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۸۲). حیای از خود باعث می‌شود انسان هیچ موقع از خود غافل نشود و همین امر موجب تثبیت و ملکه شدن صفات اخلاقی در نفس می‌گردد. بنابراین نیکوترین حیا (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۵۴۵۲) و بالاترین درجه حیا را حیای از خود می‌دانند (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۳۶، ح ۴۷۵۸) و آن را ثمره ایمان دانسته‌اند (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۹، ح ۱۴۹۸).

حضرت علی علیه السلام علت این حیا را وجود گوهر عقل در انسان می‌دانند و می‌فرمایند: علت حیا از فرد سالخورده زیادی سن و سفیدی ریش او نیست، بلکه علت حیا از او عقل اوست. پس اگر گوهر عقل درون ما نیز باشد، شایسته است که از او حیا کنیم و عمل قبیحی را در محضر او انجام ندهیم (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۳۸). هنگامی که عزت نفس در انسان نمایان گردد، حیای از خود در انسان پدیدار می‌شود.

هر چه منزلت و عزت نفس در بینش ما والاتر و بالاتر باشد، حیای ما از خود نیز افزایش خواهد یافت. هر کس عزت و کرامت بیشتری دارد، ظرفیت و گنجایش بیشتری در خود احساس می‌کند و همین احساس زمینه را برای کسب معارف بیشتر برای او فراهم خواهد کرد. حضرت علی علیه السلام به مفضل ابن صالح می‌فرماید: از هر گونه عمل مخفیانه‌ای که در برابر دیدگان مردم از بروز آن حیا می‌کنی پرهیز و از هر عملی که هرگاه بر فاعل وکننده آن عرضه گردد از آن دوری می‌گزیند، اجتناب کن (ابن فهد حلی، عده الداعی، ۱۴۰۷، ص ۲۲۸ و قمی، ۱۱۱۰-۱۰۳۷، ج ۶۸، ص ۳۶۹).

### ج) حیا، آزادی و کرامت

حیا، آزادی را با کرامت پیوند می‌دهد. شروع حیا آزادی است و غایت آن کرامت. حیاست که بیش از هر چیز دیگر کرامت انسان را تضمین می‌کند. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: نهایت کرامت در حیا منعکس است (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۵۴۴۴).

اگر چه حیا از یک منظر، میدانی است در جهت پیوند آزادی و کرامت، اما از منظری دیگر، زمینه‌ای را فراهم می‌کند در جهت گسستن آزادی از کرامت. پیوند آن از این جهت است که حیا با آزادی شروع می‌شود و به کرامت ختم می‌شود و گسیختن آن از این جهت است که انسان در نقطه‌ای قرار می‌گیرد که آزادی را از خود سلب می‌کند تا کرامت خود و دیگران را حفظ کند. محمور ارزشها در غرب آزادی است و در اسلام کرامت. در غرب حاضر نیستند به هیچ وجه، آزادی را محدود کنند، اما اسلام در بعضی مواقع آزادی را به خاطر حفظ کرامت بشر محدود می‌کند. گروهی در یونان به نام کلبیون معتقد بودند که در بین مردم هم باید مانند خلوت رفتار کرد. آنان از انجام هیچ کاری در جمع ابایی نداشتند. آنها همه قیود زندگی اجتماعی را ترک نمودند و حالت طبیعی را پیشنهاد کردند (فروغی، ۱۳۹۳، ص ۷۰).

### د) حیا و ادب

ادب و حیا درهای بسته را باز می‌کند و بی‌ادبی درهای باز را می‌بندد. ادب زبان ذکر

است، ادب بدن، روزه است، ادب مال، زکات است. آداب شرع همین ادبهاست. هر چه محبت بیشتر شود، ادب بیشتر می‌شود. ائمه آرزو دارند که ما با ادب باشیم و آزار نرسانیم، تا پهلوی ما بنشینند. اگر ما یک خرده با حیا و با ادب باشیم، ائمه خدا را در ما می‌بینند (یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۴-۳۷۳).

### ه) حیا و عفاف

پیش درآمد عفت و پاکدامنی، حیا است (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۵۴۴۴). در حقیقت علت حیاست و معلول عفت. امام سجاده علیه السلام در دعاهاى خود از خدا می‌خواست: ایمان و خواسته هایمان را با حیایی همراه ساز که از شهوات منقطع شود (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۹۱، ص ۱۵۷). عفت در روایات از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را بهترین اعمال شمرده‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند با چیزی بالاتر و والاتر از پاکدامنی شکم و شهوت عبادت نشده است (کلینی، ۱۴۲۱، جلد ۲، ص ۷۹).

هویت و شخصیت خانواده آن چنان در گرو پاکدامنی و عفت است که خداوند می‌فرماید: آنان که راهی برای ازدواج نمی‌یابند، عفاف و پاکدامنی پیشه سازند تا خداوند از فضل و رحمت خویش آنان را بی‌نیاز گرداند (نور: ۲۴). جامعه سالم در دامن مادران پاکدامن و عفیف شکل می‌گیرد. چنان‌که در حدیث آمده است: خوشا به سعادت کسی که مادرش عفیف و پاکدامن باشد (قمی، ۱۱۱۰ - ۱۰۳۷، ج ۵، ص ۲۸۵، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۶۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بهترین زنان را، زنان پاکدامن می‌دانند (کلینی، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۳۲۴).

### آثار دنیوی

آثار دنیوی شامل: برطرف شدن عیوب، تسلط بر نفس، عامل بهره‌بری و کامیابی، زینت بخش و آبرو ساز، به ثمر نشانیدن خیرات حتی برای بی‌دین‌ها و مسبب و کانون زیبایی‌ها می‌باشند.

## آثار اخروی حیا

آثار اخروی شامل: امیدواری، ایمنی روز قیامت، ترغیب به کمال و قبولی عمل، پاکی از گناهان می‌باشد و همچنین حیا بهتر از هفتاد سال عبادت است (بانکی پور فرد؛ حیا، ص ۱۸۴-۱).

با توجه به آثار مهم حیا در زندگی انسان توجه به آن و سعی در تقویت و ترویج آن در بین خانواده‌ها و جامعه امری ضروری به نظر می‌رسد. لذا تحقیق حاضر به بررسی عوامل تقویت‌کننده حیا و جلوه‌های حیا در زندگی می‌پردازد.

## نتیجه‌گیری

در این مطالعه به بررسی عوامل تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی پرداخته شد. با توجه به آثار مهم حیا در زندگی انسان‌ها تلاش جهت تقویت آن امری ضروری به نظر می‌رسد. سؤال پژوهش حاضر این بود که عوامل تقویت‌کننده حیا کدامند؟ منظور از سبک زندگی اسلامی این است که تمامی گرایشها، تمایلات، رفتارها، عقاید، ارزش و مجموعه تلقی‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و... یک فرد یا جامعه در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و عمل بدانها پایه‌ریزی شود. به گونه‌ای که این سبک چنانچه مقام معظم رهبری فرموده‌اند بتواند بخشی از تمدن نوین اسلامی قرار گیرد. هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش ابزاری است و یک بخش اصلی و اساسی است. بخش اصلی آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است. مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در فعالیت سیاسی و... است. تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی از دو بخش مراقبت‌های لازم در خانواده و اجتماع تشکیل شده است. این دو قسمت طیف

وسیع‌تری از مراقبت‌ها را در طی دوران قبل از تولد تا پایان زندگی انسان را در بر می‌گیرد. بنابراین وجود برنامه‌هایی که موجب تقویت حیا در خانواده و به تبع آن اجتماع می‌گردد امری ضروری به نظر می‌رسد که این امر مستلزم همکاری همه‌جانبه علما و روحانیون و همچنین خانواده‌ها و دولت می‌باشد.

چگونگی تربیت جنسی، توصیه به حفظ عفت در نگاه، پوشش و رفتار و از سوی غیرت‌ورزی مردان در جامعه، مراقبت‌های لازم جنسی زن و شوهر در ارتباط با یکدیگر، توجه به تمایلات جنسی همسر و پرهیز از حیای احمقانه، عدم خروج زن و شوهر از محدوده روابط جنسی مشروع، مراقبت‌های لازم جنسی در ارتباط پدر و مادر با فرزندان و بالعکس، مراقبت‌های لازم پیش از تولد، مراقبت‌های لازم پس از تولد فرزند در سطح خانواده باید مد نظر قرار گیرد. در سطح جامعه پوشش مناسب زن و مرد در جامعه، پرهیز از نگاه‌های هوس‌آلود، پرهیز از خودآرایی و تبرج، پرهیز از تبذل، پرهیز از اختلاط با نامحرم، رعایت حدود در سخن گفتن با نامحرم، پرهیز از خلوت با نامحرم، پرهیز از تماس بدنی با نامحرم از عوامل تقویت‌کننده حیا می‌باشند.

## منابع عربی

۱. ابن ابی الحدید. عبدالحمید ابن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ج ۲۰، ص ۳۳۸
۲. ابن فهد حلّی، عده الداعی، (۱۴۰۷هـ). دارالکتاب الاسلامی، بیروت. ص ۲۲۸ و مجلسی. محمد باقر ابن قمی. محمد تقی، قمی. (۱۱۰ - ۱۰۳۷ق). دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۶۸، ص ۳۶۹
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۱۸ق). سنن ابن ماجه، دار الجیل، بیروت، ج ۱، ص ۶۱۸
۴. احزاب: ۵۳.
۵. آمدی. ابوالفتح. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم، دارالکتاب الاسلامی، قم
۶. بقره: ۲۶.
۷. ترمذی. ابو عیسی محمد. (۱۴۱۹ق). سنن الترمذی، دارالحديث، قاهره، ج ۵، ص ۱۰۴
۸. حر عاملی. محمد ابن حسن (ق ۱۴۰۹). وسائل الشیعه، آل البيت لإحياء التراث، قم
۹. حمیری قمی. عبدالله ابن جعفر. (۱۴۱۳ق) قرب الاسناد، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ص ۱۳ ابن بابویه محمد ابن علی. (۱۳۷۷). خصال شیخ صدوق، کتابچی، تهران، ج ۱، ص ۲۹۳
۱۰. العسکری. حسن ابن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغه، بیروت دارالآفاق الجدیده
۱۱. قصص: ۲۵
۱۲. کراجکی. محمد ابن علی. کنزالفوائد. (۱۴۱۰ق). دار الذخایر، قم، ج ۲، ص ۱۸۲
۱۳. کلینی. محمد ابن یعقوب (۱۴۰۷) کافی، تهران، دارالکتاب الاسلامی
۱۴. مجلسی. محمد باقر ابن محمد تقی، قمی. (۱۱۰ - ۱۰۳۷ق). دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۵. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۶). عین الحیة، تحقیق مهدی رجایی، بی تا، قم، اول، ج ۲، ص ۱۰۱.
۱۶. محمد: ۴۷
۱۷. نور: ۲۴
۱۸. یزدی. محمد کاظم ابن عبدالعظیم. (۱۳۸۴). مصباح الهدی، بی نا، ص ۳۷۴ - ۳۷۳
۱۹. یوسف: ۲۴



## منابع فارسی

۲۰. امامی. محمدجعفر، آشتیانی. محمدرضا، زیر نظر مکارم شیرازی. ناصر. (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، حکمت ۳۹۲
۲۱. بانکی پور فرد، امیر حسین. (۱۳۹۴). حیا، حدیث راه عشق، اصفهان
۲۲. بن محمد (راغب اصفهانی). ابی القاسم الحسین. (۱۳۷۵) مفردات، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، دوم، ج ۱، ص ۵۷۳.
۲۳. پسندیده. عباس (۱۳۸۴). فرهنگ حیا، دارالحدیث، قم، ص ۲۲۶-۲۲۲
۲۴. حرزاده. محمد مهدی. (۱۳۸۳). حیا زیبایی بی پایان، شفق، قم، ص ۲۱-۱۷
۲۵. خامنه‌ای، سید علی. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۲۰/۰۲/۱۳۹۶
۲۶. خامنه‌ای، سید علی بیانات مقام معظم رهبری در ابتدای درس خارج فقه درباره مسئله حیا ۱۳۹۷/۱۲/۱۳
۲۷. خامنه‌ای، سید علی بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۷/۱۲/۱۳۹۷.
۲۸. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۱) دانش نامه قرآن، قرآن پژوهی، تهران، دوستان و ناهید، اول، ج ۱، ص ۹۶۹.
۲۹. رفیعی مهرآبادی. ابوالقاسم، زریاب خوبی. عباس، مشایخ فریدنی. محمد حسین، ورجاوند. پرویز، حائری قزوینی. سید مهدی، انوشه. حسن. (۱۳۹۰) دائرةالمعارف تشیع، حکمت، تهران، ص ۵۸۳.
۳۰. دهخدا. علی اکبر. (۱۳۴۱). لغت نامه دهخدا، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران، ج ۲۰، ص ۸۴۳
۳۱. سلطانی. غلامرضا. (۱۳۷۲). تکامل در پرتو اخلاق، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چهاردهم، ج ۲، ص ۲۲.
۳۲. شریعتمداری، جعفر. (۱۳۷۲). شرح و تفسیر لغات بر اساس تفسیر نمونه، بنیاد نشر آستان قدس رضوی، مشهد، اول، ج ۱، ص ۶۴۴.
۳۳. صدر حاج سید جوادی. احمد، فرشاهی. بهاء‌الدین، فانی. کامران. (۱۳۷۶). دائرةالمعارف

- تشیع، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)، تهران، اول، ج ۶، ص ۵۸۳.
۳۴. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، کانون انتشارات محمدی، تهران، سوم، ج ۳۱، ص ۴۱.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰). تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، فراهانی، تهران، اول، ج ۱۱، ص ۵۴۷-۵۴۳.
۳۶. فروغی، محمد علی. (۱۳۹۳). سیر حکمت در اروپا، زوار، تهران، ص ۷۰.
۳۷. قمی، شیخ عباس. (۱۳۴۴ق). مفاتیح الجنان، مشهد، باب سوم، دعای امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف)
۳۸. کلینی. ثقة الاسلام (۱۴۲۱ق). اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، جلد ۲، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۳۹. محمدی ری شهری. محمد، مترجم شیخی حمیدرضا. (۱۳۸۹) میزان الحکمة، دارالحدیث، قم
۴۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، دارالحدیث، قم، ج ۳، ص ۱۳۶۰-۱۳۵۲.
۴۱. مفضل ابن عمر، (۱۳۷۹). توحید مفضل، ترجمه محمد باقر مجلسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۲. مقام معظم رهبری، (۱۳۹۷) بیانیه گام دوم انقلاب
۴۳. مکارم شیرازی. ناصر، جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ص ۱۴۶.